

توسعه نظامات پرداخت رسمی میان ایران و چین؛ ۶ راهکار عملیاتی^۱

چین با تجارت خارجی سالانه بیش از ۶.۳ هزار میلیارد دلار، به مهم‌ترین شریک تجاری بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران تبدیل شده است. با این حال، نظم در حال تغییر جهان و لزوم بهره‌برداری از فرصت‌های آن جهت تثبیت قدرت، این کشور را به سمت توسعه نهادی متناسب با شرایط جدید سوق داده است. به عنوان یک نمونه مهم، همزمان با گسترش «سلاح‌سازی مالی» از سوی غرب، چین به سمت توسعه «نظامات پرداخت موازی با سازکارهای غربی» حرکت کرده است. از آنجا که مهمترین وجه از تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال شده نیز مرتبط با سازکارهای مالی و ارزی است، استفاده از ظرفیت چین در روابط تجاری دوجانبه می‌تواند به «کاهش هزینه و ریسک» و «افزایش سرعت، شفافیت و امکان استفاده از ابزارهای متنوع مالی» در مبادلات بین‌المللی کشور کمک کند و با رسمیت بخشی به نظامات پرداخت ارزی، زمینه بی‌اثر کردن تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران را فراهم نماید.

بیان مسئله

تجارت ایران و چین سالانه حدود ۶۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود که تقریباً ۴۰ درصد از کل تجارت ایران را تشکیل می‌دهد. این حجم از تجارت، فرصت خوبی را برای طراحی سازکارهای دو و چندجانبه ارزی و کاهش وابستگی کشور به نظامات پرداخت غیررسمی که تحت سلطه تحریم‌کنندگان است، فراهم می‌کند؛ به ویژه در شرایطی که چین در این زمینه، زیرساخت‌های متعدد و مستقلی توسعه داده است. این سازکارها علاوه بر تضمین وصول حقیقی و امن وجوه حاصل از صادرات ایران، باید در برگیرنده امکان استفاده از ابزارهای مالی و بانکی متنوع در روابط تجاری فیمابین نیز باشد.

شناخته‌شده‌ترین زیرساخت چین که در این زمینه قابلیت بهره‌برداری دارد، نظام پرداخت بین‌بانکی فرامرزی یا همان CIPS است. با این حال، ارائه مجموعه‌ای از راهکارهای متنوع برای تسهیل مبادلات مالی دو کشور، ریسک وابستگی به یک زیرساخت را کاهش می‌دهد و با توجه به کارایی بیشتر، موانع احتمالی که ممکن است در پیشبرد کار خلل ایجاد کند را برطرف خواهد کرد.

تحلیل

تجارت دارای سه زیرساخت اصلی حقوقی، لجستیک و مالی است. مهم‌ترین لایه اثرگذاری تحریم‌ها علیه ایران، آسیب به زیرساخت‌های مبادلات مالی بوده است. از ابتدای وضع تحریم‌ها تا به حال، سه عامل تحریم، ریسک‌گریزی چین و انفعال ایران در توسعه روابط مالی در سایه تحریم‌ها، موجب شده است که عمده روش‌های مبادلات مالی ایران و چین به سازکارهای غیررسمی محدود بماند.

طی سال‌های اخیر، وقوع بعضی رخدادها موجب تغییر شرایط شده و زمینه را برای ارتقاء سطح روابط مالی و بانکی دو کشور فراهم کرده است. به عنوان نمونه با آغاز جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، تحریم‌های مالی و بانکی علیه روسیه وضع شد؛ اما روابط مالی چین با این کشور با تغییراتی ادامه پیدا کرد.^۲ همچنین میانمار به عنوان کشور همسایه چین که از سال‌ها قبل توسط کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا تحریم شده بود، در سال ۲۰۲۲ علاوه بر تحریم، وارد لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) نیز شد؛ اما چین با استفاده از ابتکاراتی، روابط بانکی خود با میانمار را حفظ کرد و بلکه گسترش داد. کره شمالی نیز مثال دیگری از کشورهای تحت تحریم و دارای روابط مالی مستقل و دوجانبه با چین است.

^۱ تهیه شده توسط محمدهادی بیات، کارشناس گروه تولید و تجارت اندیشکده اقتصاد مقاومتی؛ مرداد ۱۴۰۵ (دارای منابع و تحقیقات پشتیبان)

^۲ گزارش کارشناسی با موضوع «اکاوی روابط مالی روسیه و چین بعد از تحریم‌ها»؛ اندیشکده اقتصاد مقاومتی؛ خرداد ۱۴۰۵

بررسی الگوهای روابط مالی چین با کشورهای مذکور نشان می‌دهد این کشور ضمن تلاش برای حفظ ظاهر التزام به تحریم و سازکارهای بین‌المللی، متناسب با ظرفیت هر کدام از کشورها و محدودیت‌های تحریمی آن‌ها، راهکارهای متفاوتی را برای مبادلات مالی دوجانبه فراهم کرده است. به همین دلیل ضروری است در پیشبرد تعاملات ایران و چین نیز طیف متنوعی از راهکارهای موثر در توسعه مبادلات مالی دو کشور طراحی و عملیاتی شود.

پیشنهادهای

به منظور توسعه نظامات پرداخت رسمی میان ایران و چین که البته نیازمند توافق راهبردی در سطوح بالای تعاملات دو کشور است، مجموعه‌ای از اقدامات در افق کوتاه‌مدت و میان‌مدت به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- **کوتاه‌مدت:** در کوتاه‌مدت، اولویت اصلی تمرکز بر راهکارهایی است که به سرعت امکان پیاده‌سازی دارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود ابتدا مجوز کارسازی تراکنش‌های ایران توسط شعبه بانک VTB روسیه در شانگهای صادر شود. این اقدام، ریسک تحریمی جدیدی برای روسیه یا چین ایجاد نمی‌کند و به صورت فوری قابل انجام است؛ ضمن اینکه وصول درآمدهای صادراتی ایران در VTB، امکان تهاتر منابع یوانی ایران در چین با روبل در روسیه جهت واردات از اوراسیا را فراهم می‌کند. راهکار کوتاه مدت دوم، برقراری روابط کارگزاری مستقیم بین بانک‌های ایرانی و چینی با تمرکز بر بانک‌های کوچک و متوسط شهری است که ظرفیت پوشش گردش مالی دو کشور را دارد، به نظامات ارزی غربی وابسته نیست و ریسک تحریمی نیز به دنبال ندارد. تأسیس اتاق پایاپای بین بانک‌های ایرانی و چینی سومین راهکار کوتاه مدت است که نقش نهاد مالی غیربانکی دارد. در صورت راه‌اندازی اتاق پایاپای، نیاز به جابجایی وجوه به صورت عمده از بین می‌رود و تنها خالص باقی‌مانده حساب‌ها بین دو کشور تسویه می‌شود.
- **میان‌مدت:** راهکار میان مدت اول اتصال ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی (CBDC) است که می‌تواند به صورت دوجانبه و یا چندجانبه انجام شود. در واقع به دلیل تمایل روسیه به حضور در چنین پلتفرمی که در نشست ۲۰۲۴ بریکس نیز مطرح شده بود، این همکاری می‌تواند از ابتدا به صورت سه جانبه بین ایران، چین و روسیه دنبال شود. راهکار میان مدت دوم اتصال ایران به نظام پرداخت بین بانکی فرامرزی (CIPS) چین است که در حال حاضر ۱۲۶ کشور عضو آن هستند. در کوتاه مدت، اتصال بانک ایرانی به بانک چینی عضو غیر مستقیم CIPS با روابط کارگزاری برقرار خواهد شد، اما در میان مدت، می‌توان یک گام جلوتر رفت و بانک ایرانی را از طریق بانک چینی عضو مستقیم CIPS، به عنوان عضو غیرمستقیم به این نظام پرداخت متصل نمود. سومین راهکار که در میان مدت قابلیت پیاده‌سازی دارد پیگیری برقراری سواپ ارزی بین بانک‌های مرکزی ایران و چین است که امکان مدیریت نوسانات تقاضای یوان را برای ایران فراهم می‌کند. تجربه مشابه این کار در روابط بانکی ایران و روسیه وجود دارد.

جدول: ۶ راهکار عملیاتی جهت توسعه نظامات پرداخت رسمی میان ایران و چین

ردیف	کوتاه مدت	میان مدت
۱	کارسازی تراکنش‌های ایران توسط شعبه بانک VTB روسیه در شانگهای	اتصال ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی (CBDC)
۲	برقراری روابط کارگزاری مستقیم بین بانک‌های ایرانی و چینی	اتصال ایران به نظام پرداخت بین بانکی فرامرزی (CIPS) چین
۳	تأسیس اتاق پایاپای بین بانک‌های ایرانی و چینی	برقراری سواپ ارزی بین بانک‌های مرکزی ایران و چین